

**Changes in the mourning rituals of the deceased after the corona
And assess its effects on mourners**

Mehri Bahar*

Received: 2021/01/15

Faezeh Jabarpour**

Accepted: 2021/04/22

Abstract

With the dramatic prevalence of coronas and the reduction of mourning ceremonies for the deceased or their complete abolition, and the transfer of as many of these mourning rituals to cyberspace as possible, This problem arose for the researcher, to what extent have the survivors of the deceased been able to gain a sense of sympathy and healing for their lost loved one through the virtual condolences of relatives; and is cyberspace basically a good platform for these types of mirrors or not? To find the answer, focusing on the ritual and communication aspects of this phenomenon, 19 people who have lost a loved one since the beginning of the corona outbreak were interviewed online. The results were included in two main categories: "Changes in mourning rituals as an opportunity" and "Changes in mourning rituals as a threat. "It seems that the spiritual dimensions of the mourning rituals for the deceased, who had already become very dim, become more prominent. It is an advantage manifested by the ritual changes of the Corona; In addition to such an advantage, depression due to not evacuating emotions, disbelief in the death of the deceased and the dominance of loneliness, despite expressing virtual sympathies, are among the injuries. Which over time can have a profound effect on the souls of mourners. Therefore, according to the results of these interviews, cyberspace was not considered a suitable platform to share the grief of mourners. According to the theory of ritual communication, it can be said that these ritualized mourning rituals of the media, although they can overcome the presence dimension of the ritual. And provide conditions for the expression of absentee sympathy, but still cannot be a substitute for face-to-face mourning rituals.

Keywords: Religion, Mourning, Ritual Communication, Corona

* Assitant Professor of department Communication Science , Faculty of Social Sciences,
University of Tehran.Iran. mbahar@ut.ac.ir

** PhD student of department Communication Science , Faculty of Social Sciences,
University of Tehran.Iran. Faezeh.jabarpour@ut.ac.ir

تغییرات آیین‌های سوگواری متوفی پس از کرونا و ارزیابی تأثیرات آن بر صاحبان عزا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۰

مهری بهار*
فائزه جبارپور**

چکیده

با شیوع چشمگیر کرونا و کاهش مراسم عزاداری برای متوفی یا لغو کامل آن‌ها و انتقال هرچه بیشتر این آیین‌های سوگواری به فضای مجازی، این مسئله برای محقق به وجود آمد که بازماندگان متوفی تا چه حد توانسته‌اند احساس همدردی و التیام یافتن غم عزیز ازدست‌رفته‌شان را به واسطه تسلیت گفتن‌های مجازی خویشاوندان به دست آورند؟ و آیا اساساً فضای مجازی بستر مناسبی برای این نوع آیین‌هاست یا خیر؟ برای یافتن پاسخ، با تمرکز بر وجه آیینی و ارتباطاتی این پدیده از ۱۹ نفر از افرادی که از ابتدای شیوع کرونا تاکنون، کسی از نزدیکان خود را ازدست داده‌اند، مصاحبه برخط انجام شد. نتایج به دست آمده، ذیل دو مقوله اصلی یعنی «تغییرات آیین‌های سوگواری به مثابه فرصت» و «تغییرات آیین‌های سوگواری به مثابه تهدید» گنجانده شدند. به نظر می‌رسد پررنگ‌تر شدن ابعاد معنوی آیین‌های سوگواری برای شخص متوفی که پیش‌ازاین بسیار کمرنگ شده بود، مزیتی است که به وسیله تغییرات آیینی دوران کرونا، نمود یافته است. در کنار چنین مزیتی، افسردگی ناشی از تخلیه نشدن احساسات، ناباوری مرگ متوفی و سیطره حس تنهایی، به رغم ابراز همدردی‌های مجازی، از جمله آسیب‌هایی است که در طول زمان می‌تواند تأثیرات شگرفی بر روح و روان صاحبان عزا باقی گذارد؛ بنابراین طبق نتایج حاصل شده از این مصاحبه‌ها، فضای مجازی بستری مناسب برای شریک شدن در غم صاحبان عزا شناخته نشد. بر اساس نظریه ارتباطات آیینی می‌توان گفت این آیین‌های سوگواری رسانه‌ای شده اگرچه می‌توانند بر بعد حضوری آیین غلبه ایجاد کنند و شرایطی را برای ابراز همدردی‌های غیرحضوری فراهم سازند؛ اما همچنان نمی‌توانند جایگزینی برای آیین‌های سوگواری حضوری باشند.

واژگان کلیدی: آیین، سوگواری، ارتباطات آیینی، کرونا.

* mbahar@ut.ac.ir

* دانشیار و عضو هیئت علمی گروه ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران.

** دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

Faezeh.jabarpour@ut.ac.ir

مقدمه

پدیده مرگ، پدیده‌ای است که از دیرباز مورد مناقشات و ابهامات بسیاری بوده است. در واقع از آنجایی که مرگ و مردن، مسئله‌ای چندبعدی و تحت تأثیر بسترهای اجتماعی و فرهنگی جوامع است در سرزمین‌های مختلف نسبت به این پدیده، تفکرات گوناگونی حکم فرما بوده است؛ به‌عنوان مثال مصریان باستان به دلیل اعتقادی که به زندگی پس از مرگ داشتند، مردگان خود را مومیایی می‌کردند و در کنار آنان اشیایی را برای رفع نیازشان در آن دنیا قرار می‌دادند. در ادیان الهی مانند دین اسلام نیز اعتقاد به بقای روح پس از مرگ و جمع‌آوری توشه برای آخرت وجود دارد. در مقابل، بعضی از فرهنگ‌ها و تفکرات دیگر با محوریت قرار دادن دنیای کنونی، مرگ را پایان انسان و نوعی پوچی می‌پندارند. عموماً این دسته از تفکرات، در جوامع مدرن مادی‌گرا بیشتر به چشم می‌خورد، چراکه «در دنیای مدرن، مرگ و تمامی مظاهرش پاستوریزه شده است. تمامی اجزا و عناصر متصل به مرگ شبیه به چیزهایی خطرناک که باید حداکثر فاصله را با آن‌ها حفظ کرد، درآمده‌اند» (حیدری، ۱۳۹۷، ص. ۵). اساساً ریشه این باورهای متفاوت و گاه متضاد نسبت به پدیده مرگ را می‌توان در ناشناخته بودن، هر لحظه در کمین بودن و مبهم بودن مرگ و دنیای پس‌از آن دانست.

علاوه بر گوناگونی در نوع اندیشیدن به مرگ و جهان پس‌از آن، در آیین برگزاری مراسم ختم و عزاداری نیز در میان فرهنگ‌های مختلف، تفاوت وجود دارد؛ به‌عنوان مثال در ایران، آیین یا مراسم عزاداری شب اول، سوم، هفتم و چهلم با حضور حداکثری فامیل، همسایگان، دوستان و آشنایان برگزار می‌شود. در این نوع مراسم معمولاً ضمن قرائت فاتحه و ختم قرآن برای شادی روح فرد از دنیا رفته، پذیرایی‌هایی در قالب ناهار یا شام نیز انجام می‌شود. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله انگلستان، مراسم خاک‌سپاری با تعداد کمتری از افراد تشکیل شده و عموماً در این مراسم، دوستان و افراد نزدیک، ضمن مرور خاطراتی که با متوفی داشتند، یک شیء یا عکس یا هر چیز دیگری که به‌نوعی یادآور خاطره‌ای از اوست، بر سر مزارش قرار می‌دهند و می‌روند.

به‌طورکلی این آیین‌های تدفین، شرایطی را برای بازماندگان متوفی فراهم می‌سازند که طی آن افراد بتوانند به‌صورت قابل‌قبول‌تری با بحران مرگ روبه‌رو شده و ضمن بیان احساسات و به اشتراک‌گذاری حس غم و اندوه ناشی از فقدان عزیز از دست‌رفته‌شان به شکل راحت‌تری با آن کنار بیایند. در واقع «آیین‌ها در زندگی ما همچون علائم سجاوندی در نوشتار عمل می‌کنند. نشانه‌هایی مانند نقطه یا ویرگول در جملات، باعث فاصله‌گذاری تنفسی و مفهومی برای خواننده متن می‌شوند. آیین‌ها نیز با ایجاد فاصله و انقطاعی در زندگی روزمره، باعث تنفس و پالایش روحی و روانی افراد می‌شوند» (بیچرانلو، ۱۳۹۹، صص. ۱۲-۱۳)؛ اما طی چند ماه اخیر به دلیل شیوع ویروس کرونا در سرتاسر جهان، این آیین‌های خاک‌سپاری و عزاداری ممنوع شده و در مواقعی صرفاً با حداقل افراد در مدت‌زمانی کوتاه و با فاصله زیاد از پیکر متوفی امکان برگزاری دارند. در چنین شرایطی این نوع آیین‌ها بیش‌ازپیش به پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی‌ای مانند اینستاگرام منتقل شده است؛ به‌طوری‌که مثلاً در پیام‌رسان واتساپ عکس‌های پروفایل به رنگ مشکی درآمده یا در مواردی اعلامیه‌های ترحیم یا عکس متوفی به‌عنوان پروفایل قرار می‌گیرند. علاوه‌براین، افراد با گذاشتن داستان یا استوری^۱ در صفحه واتساپی خود این غم و اندوه را با دیگران به اشتراک می‌گذارند. همچنین در بسیاری از صفحات اینستاگرامی نیز، صاحبان صفحه، مخاطبان خود را به فاتحه‌خوانی و خواندن نماز شب اول قبر برای عزیز از دست‌رفته خود، تشویق می‌کنند. البته اقداماتی نظیر تسلیت گفتن از طریق پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی، پیش‌ازاین نیز مرسوم بوده است؛ اما مسئله اصلی در این پژوهش این است که بعد از شدت یافتن مرگ‌ومیرها به‌واسطه شیوع چشمگیر کرونا و کاهش مراسم عزاداری یا لغو کامل آن‌ها و همچنین منتقل‌شدن هرچه بیشتر این آیین‌های سوگواری و عزاداری به فضای مجازی، بازماندگان متوفی تا چه حد توانسته‌اند با عزاداری در این فضای جدید منطبق شوند و احساس همدردی و التیام یافتن غم عزیز از دست‌رفته‌شان را به‌واسطه تسلیت گفتن‌های مجازی خویشاوندان و آشنایان به‌دست آورند.

۱- هدف پژوهش

همان‌طور که بیان شد پدیده مرگ، پدیده‌ای چندبعدی است که به نگرشی چندجانبه و بین‌رشته‌ای نیاز دارد. در این پژوهش سعی بر آن است تا با تمرکز بر وجه آیینی و ارتباطاتی این پدیده به این مهم پرداخته شود که پس از شیوع ویروس کرونا در ایران و انتقال یافتن بخشی از آیین‌های سوگواری برای متوفی در فضای مجازی، بازماندگان اموات تا چه حد توانسته‌اند با این شیوه جدید عزاداری ارتباط برقرار کنند و تا چه میزان به‌وسیله همدردی‌های مجازی حس سبک شدن و التیام یافتن داشته‌اند.

باتوجه به هدف تحقیق، سؤالات اصلی این پژوهش به شرح زیر است:

در دوران کرونا فضای مجازی تا چه اندازه توانسته است جایگزین و یا مکمل آیین‌های سوگواری حضوری شود؟

تغییرات آیین‌های سوگواری اموات و انتقال این آیین‌ها به فضای مجازی تا چه حد مورد استقبال بازماندگان بوده است؟

این آیین‌های مجازی شده و همدردی‌های اینترنتی، به چه میزان و به چه شکل توانسته است موجب التیام بخشیدن و آرامش یافتن بازماندگان اموات شود؟

۲- پیشینه پژوهش

در زمینه ارتباط انسان‌ها و جوامع مختلف با پدیده مرگ و دنیای پس‌ازآن، تحقیقات گسترده‌ای با تمرکز بر ابعاد دینی و فلسفی، جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی و... وجود دارد. به‌عنوان مثال در تحقیقی با عنوان «جامعه‌شناسی مرگ و مردن: یک مرور کلی»^۱ مروری بر یافته‌هایی در سه حوزه «انسان‌شناسی مرگ»، «جامعه‌شناسی مرگ» و «جامعه‌شناسی مردن» انجام می‌شود. مطالعه این یافته‌ها نشان می‌دهد که ارزیابی پدیده مرگ از منظر کسانی که در حال مرگ هستند، می‌تواند درک عمیق‌تر و پیچیده‌تری نسبت به این موضوع فراهم کرده و خلأهای موجود در این زمینه را تا حد زیادی پر کند (Kellehear, 2008, p. 3-9).

1. The Sociology of Death and Dying: An Overview

در تحقیقی دیگر با عنوان «نگرش لاهوتی و ناسوتی نسبت به مرگ: مطالعه مرگ‌اندیشی نمونه‌ای از دانشجویان با روش نظریه زمینه‌ای» این نتیجه حاصل شده است که وضعیت دین‌داری افراد، یکی از علت‌های نگرش متفاوت نسبت به مرگ و مردن است. در این میان، تجربه مواجهه با مرگ عزیزان جزو متغیرهای مهمی است که در نوع نگرش افراد نسبت به مرگ اثرگذار است. در واقع برای افراد «مرگ دیگری، یادآور مرگ قریب‌الوقوع خویش است» (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۷۰). در این میان عموماً افراد دین‌داری که با مرگ عزیز می‌مواجه می‌شوند، نسبت به مرگ و دنیای پس‌از آن بیشتر می‌اندیشند و کسانی که اعتقاد مذهبی ندارند با مشاهده مرگ اطرافیان به تمام شدن زندگی‌شان فکر می‌کنند (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴، صص. ۱۵۱-۱۷۶).

در پژوهشی دیگر با عنوان «پدیدارشناسی تجربی واکنش به مرگ؛ مطالعه زنان شهر مشهد» که در سال ۱۳۹۶ صورت گرفته است، ضمن تأکید بر بعد دینی و اجتماعی این پدیده، با انجام مصاحبه از ۸ نفر از زنان ساکن در شهر مشهد به سه مقوله اصلی یعنی «آمادگی برای مرگ»، «دانستن زمان مرگ» و «اراده مرگ» دست یافته است که هر یک از این مقولات ذیل مفهوم کلی‌تری به نام «پذیرش یا انکار مرگ» قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، در این تحقیق مشخص شده است که نگرش‌ها و فهم‌های مذهبی متفاوت، تأثیری جدی بر تجربه‌های واکنش به مرگ دارد؛ به طوری که افراد مذهبی علاقه بیشتری به دانستن درمورد مرگ و تداوم فکر مرگ داشتند؛ اما مشارکت‌کنندگان غیرمذهبی عموماً در پی به حاشیه راندن و انکار مرگ بودند (تابعی و همکاران، ۱۳۹۶، صص. ۷۱-۹۴).

پژوهش دیگری که در سال ۱۳۹۸ با عنوان «سنخ‌شناسی تصویر از مرگ و فرایندهای رویارویی با آن؛ مطالعه موردی شهروندان گیلان» انجام شده است با کمک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۵۰ نفر از شهروندان استان گیلان به چهار دسته اصلی از ایماژها یا تصاویری که افراد نسبت به مرگ داشتند، رسیده است. این چهار دسته عبارت‌اند از: آخرت اندیش، فنا اندیش، ابهام اندیش و انطباق اندیش. علاوه بر این،

علت مرگ‌هراسی در میان مصاحبه‌شوندگان این پژوهش، نیستی و ناشناختنی بودن مرگ برشمرده شده است (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۸، صص. ۱۰۱-۱۱۶). همان‌طور که اشاره شد، این قبیل پژوهش‌های جامعه‌شناسانه و انسان‌شناسانه که تاحدی رویکرد دینی و فلسفی نیز دارند در حوزه مرگ‌شناسی و نگرش‌سنجی نسبت به پدیده مردن، به‌وفور مشاهده می‌شود؛ اما علاوه‌بر چنین تحقیقاتی، پژوهش‌هایی نیز با تمرکز بر رویکرد آیینی، ارتباطاتی و رسانه‌ای نسبت به این پدیده انجام شده است که در ادامه به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

کتابی با عنوان «رسانه و آیین»^۱ با پرداختن به مسائلی همچون تولید و نمایش آیین‌های مرگ در رسانه‌های مختلف، درک جدیدی را نسبت به رسانه و آیین برای خوانندگان خود فراهم می‌سازد. در این کتاب یکی از نقش‌های مهم برگزاری آیین‌های مرگ را کنار آمدن افراد با پدیده مرگ و پیامدهای اجتماعی- فرهنگی آن و دوره‌ای برای بهبود بازماندگان عنوان می‌کند. علاوه‌براین، از نظر نویسنده کتاب، رسانه‌ای شدن مرگ، به‌ویژه مرگ‌های عجیب و غیرمنتظره در جامعه امروز، تبدیل به یک امر رایج و معمول شده است که طی آن، مخاطبان این نوع محتواها درگیر نوعی آیین در راستای همدلی کردن با صاحبان عزا می‌شوند (Sumiala, 2013).

در ایران نیز پژوهشی تحت عنوان «تدفین به‌مثابه یک پدیده بوروکراتیک؛ آیین‌های مرگ در بهشت زهرا-تهران» در سال ۱۳۹۶ انجام شده که باتکیه بر مفاهیم بوروکراسی وبر و تقسیم‌کار اجتماعی دورکیم و با کمک روش‌های میدانی ازجمله مشاهده و مصاحبه، به سازمانی شدن مردن و آیین‌های پس از مرگ پرداخته است. در واقع یکی از نکات اصلی در این پژوهش این است که طی چند دهه اخیر در نظام شهری مدرن تهران، الگویی مدرن برای برگزاری آیین‌های مرگ مبتنی بر عقلانیت ابزاری به‌وجود آمده است که می‌توان از آن به‌عنوان بوروکراتیک شدن پدیده تدفین یاد کرد. این مسئله در نهایت منجر به تغییرات فرهنگی و شکل‌گیری درک جدیدی از تدفین و مسئله مرگ می‌شود (رحمانی و قربانی، ۱۳۹۶، صص. ۴۰۹-۴۳۰).

در کتاب «دین، رسانه، کرونا» نیز مقالات متعددی توسط پژوهشگران گوناگون در زمینه‌های دینی، رسانه‌ای و آیینی نوشته شده است که به وضعیت عدم برگزاری آیین‌های ملی و دینی (مانند آیین تدفین یا جشن‌ها و عزاداری‌ها برای بزرگان دین) پس از شیوع ویروس کرونا و پیامد این اتفاقات می‌پردازد. از جمله مقالات مرتبط، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «کرونا و تعلیق مناسک دینی»، «بررسی پدیده تلویزیونی شدن مناسک دینی در دوره شیوع بیماری کرونا»، «بایسته‌های مواجهه تلویزیون با آیین‌های پساکرونا»، «کرونا و تولید محتوای دینی در فضای مجازی» و... (بشیر، ۱۳۹۹).

مقاله انگلیسی با عنوان «مردن؛ مرگ و عزاداری در پاندمی کرونا در کشمیر؛ یک مطالعه کیفی^۱» نیز به ارزیابی تغییرات آیین‌های مرگ و عزاداری پس از شیوع ویروس کرونا و تأثیرات آن بر مسلمانان کشمیر پرداخته است. این پژوهش که از روش مصاحبه تلفنی با ۱۷ نفر از افراد استفاده کرده به این نتیجه رسیده است که دفن متوفی و عزاداری برای او پس از گسترش ویروس کرونا در حالتی از انزوا صورت می‌گیرد که این مسئله موجب طولانی شدن غم و اندوه بازماندگان و آسیب‌های جدی‌ای بر سلامت روح و روان آنان می‌شود (حمید و جهانگیر، ۲۰۲۰، صص. ۱-۲۶).

پژوهشی دیگر نیز با هدف ارزیابی تأثیرات تکنولوژیک بر مرگ و آیین‌های عزاداری و انتقال یافتن این آیین‌ها از فضای فیزیکی به فضای مجازی در کشمیر انجام شده است. محققان در این پژوهش با ۳۰ نفر از افراد، مصاحبه‌ای عمیق انجام داده‌اند. نتایج حاکی از آن است که تاکنون تغییرات چشمگیری در خصوص مرگ و سوگواری برای متوفی در کشمیر اتفاق افتاده است؛ از جمله اینکه فضای مجازی در حال جایگزین شدن فضای فیزیکی است و سعی دارد نقش بیشتری در آیین‌های مرگ و عزاداری ایفا کند (حمید و همکاران، ۲۰۲۰، صص. ۱-۱۰).

در نهایت با مرور این پژوهش‌ها و کتب منتشرشده درخصوص پدیده مرگ و آیین‌های مرتبط به آن، مشخص شد که تحقیقات چندان زیادی در این حوزه در ایران، صورت نگرفته است و اکثر تحقیقات پیشین موجود در ایران بر ابعاد جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، دینی و فلسفی تأکید دارند. به همین دلیل در این پژوهش تصمیم بر آن

است تا ضمن توجهی ویژه بر جنبه‌های مغفول، یعنی وجوه آیینی، ارتباطاتی و رسانه‌ای مراسم عزاداری، با استفاده از روش مصاحبه با صاحبان عزا، به پدیده مجازی شدن آیین‌های سوگواری متوفی در دوران کرونایی و تأثیرات آن بر روی بازماندگان پرداخته شود.

۳- ادبیات نظری

باتوجه به هدف و سؤال تحقیق، در این پژوهش از نظریه «ارتباطات آیینی» بهره گرفته شده است.

۳-۱- ارتباطات آیینی

به صورت کلی آیین^۱ عملی معنادار و منظم شناخته می‌شود که توسط افراد به شکلی جمعی به فعلیت درمی‌آید و می‌تواند زمینه‌های مختلفی برای شکل‌گیری داشته باشد؛ از جمله: زمینه‌های دینی-مذهبی، ملی، سیاسی و بعضی از اندیشمندان «آیین را کنش و عمل اجتماعی و تعالی بخشیدن به آشکارترین شکل‌های «دوگانه اندیشه و عمل» تعریف می‌کنند» (میرعابدینی، ۱۳۸۸، ص. ۲۸)؛ اما آنچه آیین‌ها را از رفتارهای عادی متمایز می‌سازد این است که «شکل آن بر معنایی فراتر از خود رفتار دلالت دارد» و «اثربخشی آن نیز در آن دلالت نهفته است» (گیویان و امین، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۳). با این تعریف از آیین می‌توان گفت «درحقیقت آیین یک حرکت ارتباطی، یک پیام ارتباطی و یک مجرای ارتباطی است» (بشیر، ۱۳۹۰ نقل شده در همان، ص. ۱۷۳). «ارتباط با اصطلاحاتی مثل مشارکت، همدلی، همراهی و داشتن باور و ایمان مشترک همراه است. در این رویکرد آنچه اهمیت دارد، عمل دست‌به‌دست شدن اطلاعات نیست، بلکه تجلی باورهای مشترک است» (باقری ده‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۳۵). این درست همان چیزی که اریک رودنبولر نیز با مطرح ساختن «ارتباطات آیینی^۲» بر آن توجهی ویژه داشت. از نظر رودنبولر ارتباطات آیینی چیزی

1. Ritual
2. Ritual Communications

است که فرد در آن، نه به‌عنوان مخاطب، بلکه به‌عنوان مشارکت‌کننده حضور دارد و به انتخاب خود به ایفای نقش می‌پردازد (رودنبولر، ۱۳۸۷).

این اندیشمند آمریکایی در کتاب «ارتباطات آیینی» خود، علاوه بر توجه داشتن به ارتباطات حضوری و بین‌فردی و بین‌گروهی به نوع دیگری از ارتباط، یعنی ارتباطات از طریق رسانه‌ها نیز توجه و تأکید داشت. او در همین کتاب از جنبه‌های مختلف دو مفهوم «ارتباطات رسانه‌ای» و «آیین» را مورد واکاوی قرار می‌دهد. رودنبولر در کتاب خود به توضیح و تبیین چهار شکل از ارتباطات رسانه‌ای شده که می‌توانند شکلی آیینی به خود بگیرند، می‌پردازد:

۱- آیین‌های رسانه‌ای شده: پخش‌های زنده رسانه‌ها (از جمله تلویزیون) از مراسم مختلفی همچون مراسم تدفین یک فرد مشهور یا جشن‌های بزرگ، بینندگان خود را به شرکت‌کنندگان از راه دور یک مراسم یا آیین تبدیل می‌کنند.

۲- استفاده آیینی شده از رسانه: مانند تنظیم و هماهنگ کردن کارهای مختلف توسط افراد برای آماده شدن و پرداختن به تماشای یک برنامه خاص در هر یک از رسانه‌ها.

۳- آیین‌های فعالیت‌های رسانه‌ای: مانند سبک استاندارد پرسش و نگارش اخبار توسط خبرنگاران و روزنامه‌نگاران و درنهایت ۴- تلویزیون به‌مثابه دین که از لحاظ کارکردهای اجتماعی می‌توان شباهت‌هایی را میان این دو مشاهده کرد (رودنبولر، ۱۳۸۷، صص. ۱۴۷-۱۶۵).

باتوجه به این تعاریف، منتقل شدن بخشی از سوگواری‌ها در غم فقدان عزیزان از دست‌رفته به فضای مجازی را می‌توان در دسته اول، یعنی آیین‌های رسانه‌ای شده قرار داد. در واقع همان‌طور که کتز و دایان اشاره می‌کنند، شیوه‌ای که این رخدادها را خاص توسط رسانه‌های مختلف از جمله رسانه‌های الکترونیکی به اشتراک درمی‌آیند و چگونگی دریافت پیام توسط مخاطبان، بسیار شبیه برگزاری آیین‌های ساخت یافته است و همان کارکردها را دارد (همان، ص. ۱۴۹). این مهم «دال بر آن است که وسایل ارتباطی‌ای برای غلبه بر این پیش‌فرض وجود دارد که می‌گوید برای اینکه آیینی برگزار

شود، مردم باید به‌طور جسمانی دورهم جمع شوند» (رودنبولر، ۱۹۸۸ و مک آلوون، ۱۹۸۴ نقل شده در همان، ص. ۱۴۹).

حال در این پژوهش، سعی بر آن است تا این فرض مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد که آیا در واقعیت، رسانه‌های الکترونیکی و فضای مجازی قابلیت و توانایی مکفی برای به اجرا درآوردن آیین سوگواری پس از مرگ عزیزان را دارند یا خیر.

۴- روش پژوهش

باتوجه به اهداف و سؤالات تحقیق، روش کیفی، روش مناسب برای انجام این پژوهش شناخته شده است. «این رویکرد روش شناختی، قصد دارد تا پدیده مورد مطالعه‌اش را از درون بشناسد. این رویکرد بر این فرض استوار است که در گفتگوها، پدیده‌ها به شکل تعامل به وجود می‌آیند و بدین ترتیب واقعیت برساخته می‌شود» (سراجزاده و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۶). به همین منظور در این مقاله از طریق مصاحبه برخط از تجربه ۱۹ نفر از افرادی بهره گرفته شده است که از ابتدای شیوع ویروس کرونا (از اسفندماه ۹۸) یک یا چند نفر از عزیزان و بستگان خود را به دلایل مختلفی از جمله مبتلا شدن به کرونا از دست داده‌اند و به دلیل وجود محدودیت‌های بهداشتی در این ایام، مراسم تدفین یا ختم نداشته‌اند و یا با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، مراسمی بسیار کوچک برگزار کرده‌اند. به علاوه، از دیگر ویژگی‌های این افراد این است که در این مدت تجربه ابراز همدردی‌های مجازی را داشته‌اند و یا خود، محتواهایی در فضای مجازی با مضمون از دست دادن عزیزشان منتشر ساخته‌اند و بازخوردهایی نیز دریافت کرده‌اند. ضمناً این مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به نقطه اشباع نظری ادامه یافتند.

پس از انجام مصاحبه، داده‌های به دست آمده با استفاده از مراحل سه‌گانه کدگذاری داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. این مراحل سه‌گانه کدگذاری داده‌ها، یعنی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی، ابتدا توسط اشتراوس و راگلیرز (۱۹۶۷) مطرح شدند و بعدها توسط گلیرز (۱۹۷۸)، اشتراوس (۱۹۸۷) و اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰/۱۹۹۸) بسط پیدا کردند (فلیک، ۱۳۹۱، ص. ۳۲۹). در کدگذاری باز داده‌ها، مضامین و واحدهای معنایی از عبارات و جملات استخراج می‌گردد، سپس

این واحدهای معنایی استخراج شده دسته‌بندی می‌شوند، بعدازآن در کدگذاری محوری، مفاهیم به دست آمده از کدگذاری باز، بر اساس تشابهات و تمایزات مورد پالایش و تفکیک قرار می‌گیرند و مقوله‌بندی می‌شوند و در نهایت در کدگذاری گزینشی، ارتباط و پیوند میان مقولات شناسایی و کشف شده و به یک یا چند مقوله کلان‌تر و انتزاعی‌تر منتج می‌شود (همان، صص. ۳۳۰-۳۳۷).

۵- یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در بخش روش پژوهش اشاره شد در این پژوهش از ۱۹ نفر از افرادی که در ایام کرونا، کسی از نزدیکان خود (از جمله برادر، فرزند، خاله، پدر بزرگ، مادر بزرگ و ...) را از دست داده‌اند و در این مدت تسلیت‌های مجازی دریافت کرده‌اند یا به انتشار محتوایی در این خصوص در فضای مجازی پرداخته‌اند، مصاحبه شده است. عموماً محتواهایی که این افراد در غم از دست دادن عزیز خود در فضای مجازی منتشر کرده بودند، حاوی نوشتارهایی با پس‌زمینه سیاه یا عکسی از متوفی بود که در آن به دل‌تنگی خود برای شخص متوفی اشاره می‌کردند و یا خواهان قرائت فاتحه یا صلوات و یا به‌جا آوردن نماز شب اول قبر برای شادی روح متوفی بودند. در مواردی نیز جهت اطلاع‌رسانی به سایرین، اعلامیه فوت توسط این افراد در فضای مجازی از جمله اینستاگرام یا واتساپ به اشتراک گذاشته می‌شد. تمامی این افراد پس از به اشتراک‌گذاری چنین محتواهایی در فضای مجازی خود، بازخوردهایی جهت تسلیت گفتن و ابراز همدردی از طرف دوستان و آشنایان خود دریافت کرده بودند.

در ادامه جدولی از مشخصات مصاحبه‌شوندگان مشاهده می‌شود:

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

شماره	نام	جنسیت	سن	شخص متوفی	علت فوت متوفی
۱	فرزانه	زن	۶۰	پسر	کرونا
۲	مریم	زن	۲۰	یکی از دوستان خانوادگی	کرونا
۳	زهرا	زن	۳۳	برادر	کرونا
۴	معصومه	زن	۳۵	برادر شوهر	کرونا
۵	زینب	زن	۲۳	مادر بزرگ	بیماری و

سکته مغزی					
بیماری	پدربزرگ	۲۲	زن	مرضیه	۶
سرطان	خاله	۲۲	زن	مریم	۷
بیماری	پدربزرگ	۲۴	زن	زهرا	۸
بیماری	دخترعمه	۲۳	زن	نازنین زهرا	۹
سرطان	عمه	۲۳	زن	ریحانه	۱۰
بیماری	پدربزرگ	۳۰	زن	زهرا	۱۱
سکته	عمو	۲۲	زن	حانیه	۱۲
بیماری	مادربزرگ، زن عمو، دایی پدر	۲۱	زن	نرگس	۱۳
سرطان	دختردایی	۳۸	زن	شبنم	۱۴
بیماری	پدربزرگ	۲۲	زن	مهسا	۱۵
بیماری	یکی از دوستان خانوادگی	۲۵	مرد	امیرحسین	۱۶
بیماری	عمو، زن عمو، شوهرخاله	۳۹	مرد	حسام	۱۷
سکته	مادربزرگ	۲۰	مرد	علیرضا	۱۸
بیماری	عمو	۳۶	مرد	میثم	۱۹

باتوجه به داده‌های جمع‌آوری شده از این مصاحبه‌ها، مقولات زیر استخراج گردیده است:

۵-۱- تغییرات آیین‌های سوگواری به‌منابه فرصت

در ایامی که به دلیل شیوع ویروس کرونا، امکان برگزاری مراسم عزاداری برای متوفیان وجود ندارد، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان برای ابراز حس غم و اندوه ناشی از فوت عزیزشان به فضای مجازی روی آورده بودند. این اتفاق به‌خصوص در میان کسانی بیشتر به چشم می‌خورد که شخصی را به علت کرونا ازدست‌داده بودند و به دلیل مسائل بهداشتی، مراسمی ولو کوچک و مختصر برای خاک‌سپاری یا ختم عزیز ازدست‌رفته‌شان نیز نداشته‌اند.

۵-۲- پررنگ‌تر شدن ابعاد معنوی آیین سوگواری برای شخص متوفی

بیشتر افرادی که عزیزشان را به علت کرونا ازدست‌داده بودند، حس همدردی و التیام یافتن غم خود را از طریق مراسم مجازی مانند گرفتن ختم قرآن پیدا می‌کردند.

به‌عنوان مثال فرزانه - ۶۰ ساله - که پسر خود را بر اثر کرونا ازدست‌داده بود، در طی مصاحبه در این خصوص گفت:

«همون روزهای اولی که پسر من به رحمت خدا رفتن، از طرف همکارا در فضای مجازی یه گروه ختم قرآن برای ایشون تشکیل دادن که این خیلی باعث تسکین من می‌شد. از طرفی ما چون حضور دیگران رو در کنار خودمون نداشتیم و تنها بودیم، این فضای مجازی و گروه ختم قرآن باعث تسکین ما می‌شد. ما احساس می‌کردیم که دیگران همه در کنارمون هستن. البته به مراسم حضوری که نمیرسه اما باوجود تنهایی و غربت، واقعاً این گروه ختم قرآن خیلی برای ما تسکین بود. خیلی قرآن خونده شد، زیارت عاشورا خونده شد. شاید در مراسم حضوری آن‌قدر توفیق خوندن قرآن و ثواب برای ایشون میسر نمی‌شد. در مراسم حضوری حزبی خونده می‌شد، فاتحه‌ای فرستاده می‌شد، اگرچه حضورشون از جهاتی خوب بود، اما تفاوتش با فضای مجازی این بود که تو این فضا خیلی خیلی براشون قرآن خونده شد که برای ما خیلی تسکین‌دهنده بود.»

البته علاوه بر خانواده متوفیانِ کرونایی، افراد دیگری که عزیزی را به دلایل غیرکرونایی از دست داده بودند و به خاطر شرایط، امکان حضور در مراسم متوفی را پیدا نکرده بودند، نیز با انتشار محتواهایی در فضای مجازی و بازخورد گرفتن از آن، حس آرامش و ابراز همدردی را دریافت کردند. به‌عنوان نمونه مریم - ۲۲ ساله، ساکن تبریز که خاله خود را بر اثر سرطان ازدست‌داده و به دلیل برگزاری مراسم ختم در شهر دیگر (تهران)، امکان حضور در آیین سوگواری را نداشته بود، گفت:

«استوری گذاشته بودم برای اینکه خودمو خالی کنم و بگم ناراحتم. چون تو تبریز مراسمی نگرفته بودیم و خودمم نتونستم برم تهران که تو مراسم شرکت کنم، می‌خواستم با کسی صحبت کنم و باهام همدردی کنن. ابراز همدردیا که می‌شد، خیلی آروم‌تر شدم. همین‌که بعضیا می‌گفتن برایش نماز می‌خونن یا فاتحه می‌فرستن خیلی آروم‌تر شد که باعث شدم یه کاری کنم که برایش فاتحه فرستاده بشه. کیفیتش قطعاً مثل حضوری نیست؛ اینکه بشینی باهاشون حرف بزنی و از خاطرات بگی یه چیز دیگه است.»

زهره- ۲۴ ساله هم که به خاطر ابتلا به بیماری کرونا نتوانسته بود در مراسم ختم کوچکی که برای پدر بزرگش گرفته شده بود، شرکت کند، نظرش را راجع به تسلیت گفتن‌های مجازی این‌گونه گفت:

«پیامی که بهم می‌دادن برام خیلی مهم بود. همون تسلیت‌هایی که بهم می‌گفتن یا مثلاً یکی از دوستانم خودش بهم پیام داد و اسم پدر بزرگمو پرسید که براش نماز شب اول قبر بخونه اینا خیلی حال آدمو خوب می‌کرد و واسم مهم بود».

معصومه- ۳۵ ساله نیز با اشاره به برخی از فرصت‌هایی که فضای مجازی در برگزاری مراسم عزاداری ایجاد می‌کند، در طی مصاحبه گفت:

«اگر برای برادر شوهرم، مهدی، مراسمی تو مسجد می‌گرفتن، شاید ۲۰۰ نفر بیشتر نمی‌اومدن، اونا هم شاید بیان بشینن حرفی بزنن، هرچی دلشون بخواد بگن، حرفی حدیثی دربیاد، ولی در فضای مجازی مراسمی که برای مهدی گرفتن، چند دور قرآن ختم شد، چقدر صلوات فرستان، چند بار آیت‌الکرسی و زیارت عاشورا ختم شد. تو مراسم حضوری قبل از اینا، خوندن قرآن برای مرده و اینجور چیزا خیلی کم‌رنگ شده بود، اما تو این مراسم مجازی برای مهدی خیلی خیلی خوب بود».

۳-۵- کاهش هزینه‌های اقتصادی

برخی از مصاحبه‌شوندگان نیز ضمن تأکید بر این نکته که لغو مراسم عزاداری تشریفاتی موجب کاهش استرس و نگرانی‌های خانواده‌های داغدار برای برگزاری مراسم ختم آبرومندانه شده است، به این مسئله اشاره داشتند که این اتفاق فشار اقتصادی فراوانی که پیش‌ازاین به خانواده‌های سوگوار تحمیل می‌شد را از میان برداشته است؛ بنابراین از نظر این دسته از افراد، لغو این‌گونه مراسم پرخرج و مجازی شدن بخشی از این آیین‌ها، حتی می‌تواند زمینه‌ای را برای مشارکت حداکثری افراد در هر نقطه‌ای از دنیا برای تسکین دادن به غم صاحبان عزا فراهم سازد.

زهره- ۳۰ ساله که داغدار پدر بزرگ خود بود، در این خصوص معتقد بود:

«حتماً لغو یا کاهش مراسم عزاداری برای متوفی میتونه فوایدی داشته باشه؛ مثلاً اینکه هزینه‌ها کمتر بشه یا دردهای کمتری داشته باشه اما در کل آدما به این مراسم نیاز دارند».

حانیه - ۲۲ ساله نیز که سوگوار فوت عموی خود بود، در این باره گفت: «عزادار بودن به مشکی پوشیدن و هزارجور مراسم و ختم گرفتن و اینا نیست. عزادار بودن تو دل آدماست. موقعی هم که یه نفر میاد یه مراسم ختمی می‌گیره که هزار نفر مهمون داره، برای شخص من یه چیزی شبیه چشم رو هم چشمیه! ولی به نظر من فقط افرادی می‌تونن آدمو در این شرایط آروم بکنن که تو بدونی همدردیشون، همدردی واقعیه و این آدما، آدمایی نیستن که سالی یه بار تولدی، عروسی‌ای، ختمی چیزی بشه که بیان و برن. نه! تو بگی که من در کل ۱۲ ماه سال با این آدم در ارتباطم و براش عزیزم و حالا اون در این شرایط میاد که کنار من باشه و تو اون حضور رو در اون لحظه سخت خیلی بیشتر و بهتر حس می‌کنی. این حس، حسی نیست که آدم لزوماً با ختم گرفتن بعد از فوت عزیزش، به دست بیاره. البته چرا! خوبه که یادبودی واسه عزیزش داشته باشه، یه عده بیان یه فاتحه‌ای بخونن، یه خیراتی بشه ولی اینکه آدم ده جور مراسم مجلل بگیره نه! به نظر من پول همه اینارو میتونه بده به خیریه و خیلی بیشتر به روح اون آدم میرسه و اگه به خاطر اون همدردی گرفتن از اطرافیان باشه هم خب آدم چه مراسم بگیره چه نگیره، اونایی که براشون مهمه، میان و با آدم همدردی می‌کنن».

درواقع باتوجه به آنچه در بالا بیان شد، می‌توان گفت پیرنگ شدن یا اهمیت یافتن جلوه‌هایی از ارزش‌های معنوی و روحانی (مانند فاتحه‌خوانی، نماز شب اول قبر خواندن، ختم قرآن و ...)، به‌عنوان بخشی از آیین‌های سوگواری که پیش‌ازاین تا حدودی به حاشیه رانده شده بود و همچنین کاهش هزینه‌های اقتصادی و فراهم شدن زمینه‌ای برای ابراز همدردی فامیل و دوستان در هر نقطه‌ای از دنیا با صاحبان عزاء، از فرصت‌ها یا مزیت‌هایی است که به‌واسطه تغییرات دوران کرونا، به وجود آمده است.

۶- تغییرات آیین‌های سوگواری به مثابه تهدید

در میان مصاحبه‌شوندگان، علاوه بر کسانی که به هیچ‌عنوان مراسمی نداشتند یا خودشان به‌شخصه به‌خاطر شرایط کرونایی نتوانسته بودند در مراسم ختم شرکت کنند، عده‌ای از افراد بودند که به‌رغم وجود شرایط کرونایی، مراسمی کوچک با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، با مهمانانی اندک برگزار کردند. اگرچه همه این افراد، ابراز همدردی‌های مجازی یا تلفنی از طرف دوستان، آشنایان و فامیل دریافت کرده بودند و همین اتفاق موجب آرامش نسبی آنان شده بود، اما باوجود این بحران‌ها و آسیب‌هایی که هر یک از این افراد، چه به دلیل عدم برگزاری هرگونه مراسم حضوری و چه به دلیل برگزاری مراسمی کوتاه و مختصر، به آن دچار شده بودند، در زیرمقولات زیر دسته‌بندی شدند:

۶-۱- افسردگی ناشی از تخلیه نشدن احساسات

بسیاری از کسانی که به دلیل شرایط کرونایی، نتوانسته بودند مراسمی برای عزیز از دست‌رفته خود برگزار کنند، دچار حس بغض و افسردگی شده بودند که نیاز به شرایط و زمینه‌ای برای تخلیه کردن احساس غم و اندوه خود داشتند. این افراد اذعان داشتند که اگرچه بروز احساسات در فضای مجازی نیز تا حدی موجب آرام شدن آنان می‌شد اما همچنان حس کمبود و نیاز به یک مراسم سوگواری حضوری پررنگ و بااهمیت جلوه می‌کرد. به‌عنوان مثال زهرا- ۳۳ ساله در خصوص احساس خود نسبت به عدم برگزاری مراسم برای فوت برادر کوچکتر خود این‌گونه گفت:

«[با بغض] من آن‌قدر که برادرم مراسمی نداشت که بخوام خودمو تخلیه کنم، الان یه احساسی بهم دست داده که بعضی موقع‌ها دوست دارم روزی چند بار برم جایی که هیچ‌کس نباشه، داد بزنم، گریه کنم یه جورایی خودمو تخلیه کنم و فکر می‌کنم این حسی که دارم واسه این بود که داداشم مراسمی نداشت. شاید اگر مراسمی داشت خودمون رو تخلیه می‌کردیم، آروم‌تر می‌شدیم.»

مریم- ۲۰ ساله که در این ایام، یکی از آشنایان و دوستان نزدیک خود را در شهری دیگر، به دلیل کرونا از دست داده بود، در همین خصوص گفت:

«خانواده ما به حالت افسرده‌ای پیدا کرده بودند به خاطر اینکه نتوانسته بودن برن مشهد. هیچ کاری هم از دستمون برنمیومد. زنگ می‌زدیم تلفنی باهاشون صحبت کنیم، اونا اونجا گریه می‌کردن، ما اینجا (کاشان). همه خیلی حالشون بد بود. به خاطر این فاصله و اینکه هیچ کاری نمی‌شد کرد، آدم خودشو عاجز می‌دید و خیلی بد بود». نازنین زهرا- ۲۳ ساله نیز در غم از دست دادن دختر عمه خود گفت:

«خودم بارها و بارها احساس کردم که ای کاش به مراسمی بود که همه دورهم جمع می‌شدیم و یک تخلیه روحی می‌شدیم. این دورهم بودن خیلی دلگرمی به آدم می‌داد. اینکه مثلاً هرکدوممون دور از هم، هرکس تو خونه‌اش، عزاداری کرد و گریه کرد عمیقاً عذاب‌آور بود. من حس می‌کنم هنوز تخلیه نشدم. در صورتی که تو مراسم‌های قبلی خیلی این حس رو نداشتم و الان خیلی گاه‌وبیگاه، با دلیل و بی‌دلیل می‌تونم گریه کنم. ما حتی نتونستیم همدیگرو ببینیم و در آغوش بکشیم. فکر می‌کنم اگر مراسم بود، حالمون از اینی که الان هست، بهتر بود».

۶-۲- سیطره حس تنهایی و غربت

در میان مصاحبه‌شوندگان، حتی کسانی که مراسمی کوچک و مختصر برای متوفی خود برگزار کرده بودند، به علت کم بودن مهمانان و یا به خاطر عدم شرکت کردن فامیل‌های نزدیک و صمیمی‌تر در این مراسم، حس غربت و تنهایی داشتند. به‌عنوان مثال مرضیه- ۲۲ ساله که سوگوار از دست دادن پدر بزرگ خود بود، در این باره گفت:

«نشدم مثل قبل از کرونا عزاداری کنیم. مراسممون خیلی کوچیک بود و خیلی از کسانی که حضورشون باعث دلگرمیمون بود به خاطر کرونا نتونستن بیان. به مقدار حس غربت داشتیم. اون عزاداری و محیطی که کنار بقیه جمع میشیم و از حضور بقیه دلگرم میشیم و اون روضه‌ای که تو مسجد و مراسم ختم می‌خونن، باعث میشه آدم تخلیه بشه و سوگواری کنه و تا حد زیادی آروم‌تر بشه ولی وقتی عزاداری نکنیم، خیلی اثرات روحی سنگینی رومون داره». زینب- ۲۳ ساله نیز در این باره حس مشابهی داشت و گفت: «روز سوم مراسم مادر جون که آدما بیشتر می‌ومدن، خوب بود ولی بعد

که کم کم آدما نیومدن یا اگه میومدن از هم فاصله می گرفتند و میترسیدن، حس تنهایی داشتم».

امیرحسین-۲۵ ساله نیز داغدارِ غم یکی از دوستان خود بود، در این راستا گفت: «بودن اطرافیان خیلی کمک کننده است. وقتی هستن راحت تر میشه از اون مسئله گذر کرد. به تنهایی همیشه گذر کرد. اگرچه آدم به یه خلوتی هم نیاز داره اما برای من بودنشون خوشایند بود. نظر من اینه. آدما به فراخور نوع روابطشون ممکنه بتونن به شکل دیگه هم کنار بیان اما برای من این حضورها تسکین دهنده است».

حسام-۳۹ ساله که در چندماه اخیر عمو، زن عمو و شوهرخاله خود را از دست داده بود گفت:

«مراسم خیلی کوچک بود؛ به یک حضور در بهشت زهرا ختم شد. خیلی غریبانه بود؛ چون اینها هر کدومشون بزرگترهای فامیل بودند، اگر در این شرایط نبود، خیلی از فامیل برای بدرقه میومدن. خیلیا از نظر معنوی بهشون بدهکار بودن. خیلی غم انگیزه که یه نفر داره این طور غریبانه میره. واقعاً همیشه اون حق و دینی رو که به خودشون و اطرافیانشون داریم، ادا کنیم اما کاریم همیشه کرد. خیلی غم انگیز و تأسف باره».

میثم-۳۶ ساله درحالی که سوگوار عموی خود بود، دراین رابطه گفت:

«کسی که عزیزشو از دست میده، احتیاج به مهر و محبت اطرافیان داره و این مهر و محبت از دور اصلاً به شخص نمیرسه. اینکه اطرافیان بیان، سر بزندن بهشون، خیلی باعث دلگرمیشونه».

نرگس-۲۱ ساله نیز راجع به احساسش پس از ازدست دادن مادر بزرگ، زن عمو و دایی پدر خود این گونه گفت:

«خیلی سنگین و سخته. مخصوصاً مادر بزرگم و دایی پدرم که بزرگای فامیل بودن، اگه در حالت معمول بود، خیلی شلوغ می شد، خیلی خیلی زیاد شلوغ می شد و یه وضعیت وحشتناکی می شد؛ ولی خب این طوری که بود یه حس غریبانه ای به آدم دست میده».

۶-۳- ناباوری مرگ متوفی

برخی از افراد نیز تا زمانی که به صورت جدی مراسمی برای خاک‌سپاری و ختم عزیز از دست‌رفته خود، برگزار نمی‌کردند و در آن شرایط ویژه و خاص قرار نمی‌گرفتند، قدرت پذیرش و باور مرگ متوفی را نداشتند. مثلاً زهرا- ۳۳ ساله از آنجاکه برادر خود را به دلیل کرونا از دست داده بود و به همین خاطر حتی در مراسم خاک‌سپاری او نیز امکان حضور نداشت، دچار ناباوری نسبت به مرگ برادرش شده بود. او درخصوص احساس خود هنگام برگزاری مراسمی کوچک به مناسبت چهلم برادرش با حضور حداقلی همکاران و برخی از دوستان گفت:

«[با بغض و گریه] من تو مراسم چهلم برادرم بود که تازه فهمیدم واقعاً برادرم از دنیا رفته».

علاوه بر این‌ها، اگرچه اکثر افراد در فضای مجازی با به اشتراک‌گذاری مطالبی در خصوص از دست دادن عزیزانشان، بازخوردهایی مبنی بر ابراز همدردی و تسلیت دریافت کرده بودند، اما همگی بر این موضوع تأکید داشتند که این نوع تسلیت‌گفتن‌ها و ابراز همدردی‌ها برایشان چندان سودمند و مؤثر نبوده است.

زینب- ۲۳ ساله در ارتباط با حسی که هنگام به اشتراک‌گذاری داستان یا استوری در صفحه مجازی خود پیدا کرده بود، اینگونه گفت:

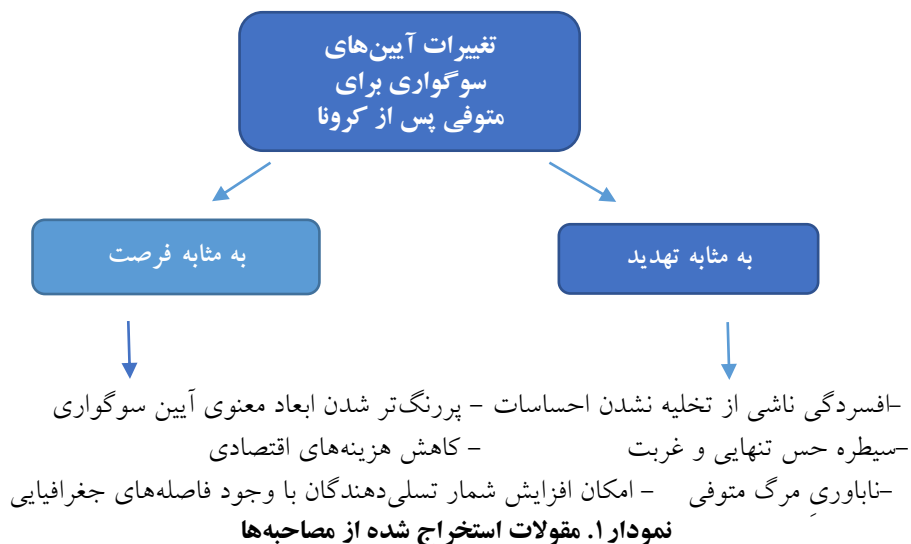
«اون شب از شدت ناراحتی انگار می‌خواستم به همه بفهمونم مادر بزرگم فوت شده. ولی بعدش پشیمون شدم چون باید تک تک جواب می‌دادم و خیلی وقت‌گیر بود. تازه اگه دوست یا آشنای دورتر، از سر ادب، تسلیت می‌گفتن خوشحال می‌شدم ولی اگر هم نمی‌گفتن، فرقی برام نمی‌کرد؛ ولی درمورد نزدیکان نه اینطور نبود. تازه پدر بزرگم که از تسلیت گفتن‌های تلفنی و مجازی خوشش نیومد و براش خیلی فرق می‌کرد که کسی تلفنی بهش تسلیت بگه یا حضوری بیاد. حتی اگه کسی تلفنی تسلیت می‌گفت ناراحت می‌شد که چرا فلانی نیومده. نمی‌تونستن خیلی درک کنن شرایط رو».

سرانجام همان‌طور که در مقولات کلان و زیر مقولات آن‌ها اشاره شد، تمامی مصاحبه‌شوندگان، علی‌رغم اشاره‌هایی که بر مزیت‌های تغییرات آیین سوگواری برای متوفی در شرایط کرونایی، داشتند، مانند ختم هرچه بیشتر قرآن برای متوفیان از طریق

انتقال یافتن این بخش از آیین عزاداری به فضای مجازی و یا تغییراتی که درخصوص لزوم ناهار یا شام دادن به مهمانان اتفاق افتاده است، معتقد بودند که برگزاری مراسم ختم به صورت حضوری بسیار سودمندتر و مؤثرتر در آرامش بخشیدن و التیام دادن غم صاحبان عزا است. به عنوان نمونه معصومه-۳۵ ساله در این ارتباط این گونه گفت:

«استوری گذاشتن مثل این میمونه که بگیم از هیچی بهتره ولی همیشه مثل اون مراسمی که همه رو یکی یکی می بینی، در آغوش می کشی، چهره هاشون رو می بینی، ناراحتیشونو با دیدن چهره ها لمس می کنی. درسته که تو فضای مجازی هم میشه از طریق صدا درجه ناراحتی افراد رو سنجید ولی اینکه کنارت باشن خیلی فرق داره با فضای مجازی. همیشه اون حضور رو تو این فضا حس کرد. وقتی باهامون تماس می گرفتن یا پیام های مجازی می دادن و بهمون تسلیت می گفتن، اصلاً حس آرامش بهم دست نمی داد». زهرا- ۳۳ ساله نیز نظر مشابهی داشت و گفت: «اگه تو این روزای سخت کسی کنارت باشه حداقل حس و حال بهتری میتونه بهت بده تا اینکه مثلاً مراسمی نباشه، کسی نتونه بیاد و یه دلداری به آدم بده. حضوری خیلی بهتره به نظر من».

نمودار زیر به طور خلاصه مقولات استخراج شده از مصاحبه ها را شرح می دهد:



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

باتوجه به آنچه در بخش یافته‌ها عنوان شد، پس از شیوع کرونا، آیین‌های سوگواری برای شخص متوفی دچار تغییرات متعددی شده است که هر یک به‌نوبه خود می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی فراوانی بر صاحبان عزا داشته باشد؛ به‌عنوان مثال پرننگ‌تر شدن ابعاد معنوی آیین‌های سوگواری برای شخص متوفی که پیش‌ازین بسیار کم‌رنگ شده بود، یا کاهش هزینه‌های اقتصادی ناشی از برگزاری مراسم تشریفاتی و امکان افزایش شمار تسلی‌دهندگان به‌واسطه غیرحضورى شدن آیین‌های سوگواری، فرصت یا مزیتی است که به‌وسیله تغییرات آیینی دوران کرونا، نمود یافته است؛ در کنار چنین مزیتی، افسردگی ناشی از تخلیه نشدن احساسات، ناباوری مرگ متوفی و سیطره حس تنهایی و غربت، علی‌رغم ابراز همدردی‌های مجازی و تسلیت گفتن‌های غیرحضورى، از جمله آسیب‌ها و تهدیداتی است که در کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌تواند تأثیرات شگرفی بر روح و روان صاحبان عزا باقی گذارد. در واقع طبق نتایج به‌دست‌آمده از سخنان صاحبان عزا و بازماندگان اموات، می‌توان گفت آنان چندان از شرایط به وجود آمده، رضایت نداشتند و آسیب‌های زیادی را به‌خاطر عدم برگزاری مراسم ختم متحمل شده بودند. از این‌رو به‌نظر می‌رسد تغییرات به وجود آمده در این آیین‌های سوگواری، بیشتر از آنکه فرصت یا مزیت به‌حساب آیند، تهدیدزا و مخرب هستند.

همان‌طور که در نظریه ارتباطات آیینی اشاره شد، رودنبولر از چهار شکل از ارتباطات رسانه‌ای که می‌توانند شکل آیینی پیدا کنند، نام می‌برد. این چهار شکل که تعریفشان در قسمت مبانی نظری ذکر شد، عبارت‌اند از: آیین‌های رسانه‌ای شده، استفاده آیینی شده از رسانه، آیین‌های فعالیت‌های رسانه‌ای و تلویزیون به‌مثابه دین (رودنبولر، ۱۳۸۷، صص. ۱۴۷-۱۶۵). باتوجه به این چهار شکل از ارتباطات رسانه‌ای، می‌توان گفت منتقل شدن بخشی از سوگواری‌ها در غم فقدان عزیزان از دست‌رفته، به فضای مجازی را در دسته اول، یعنی آیین‌های رسانه‌ای شده قرار داد. در واقع شیوه به اشتراک‌گذاری این رخدادهاى خاص توسط رسانه‌های گوناگون از جمله رسانه‌های الکترونیکی و نحوه دریافت پیام توسط مخاطبان، شباهت بسیاری با برگزاری آیین‌های ساخت‌یافته و کارکردهای آن‌ها دارد (همان، ص. ۱۴۹). این مهم «دال بر آن است که

وسایل ارتباطی ای برای غلبه بر این پیش فرض وجود دارد که می‌گوید برای اینکه آیینی برگزار شود، مردم باید به‌طور جسمانی دورهم جمع شوند» (رودنبولر، ۱۹۸۸ و مک آلوون، ۱۹۸۴ نقل شده در همان، ص. ۱۴۹)؛ اما نتایج حاصل شده از این پژوهش نشان می‌دهد که این آیین‌های سوگواری رسانه‌ای شده، اگرچه می‌توانند بر بعد جسمانی و حضوری آیین غلبه ایجاد کنند و شرایطی را برای ابراز همدردی و تسلیت گفتن‌های غیرحضوری فراهم کنند، اما همچنان کیفیت لازم را برای ایجاد حس آرامش و التیام یافتن غم صاحبان عزا ندارند.

براین اساس، این‌طور به نظر می‌آید که شکل‌گیری و گسترش اینترنت و فضای مجازی، منجر به نوعی بازاندیشی و نوآوری در فرآیندها و نظام‌های معنایی سنتی شده است. «در این بازاندیشی، نوعی بازسازی خلاقانه آیین‌های سنتی مشاهده می‌شود که از یک سو نشان‌دهنده نوعی تداوم و پیوستگی با میراث سنتی خود است و از سوی دیگر نوعی بازآرایی عناصر صوری، محتوایی و نوآوری در آن‌ها برای انطباق با زمینه و زمانه جدید دیده می‌شود» (رحمانی و قربانی، ۱۳۹۶، ص. ۴۱۱). در شرایط کرونایی فعلی نیز به نوعی بازسازی آیین سوگواری برای عزیزان از دست رفته در فضای مجازی مشاهده می‌شود اما به دلیل برخی ویژگی‌ها و محدودیت‌هایی که این فضا دارد، بُعد آیینی عزاداری بسیار تقلیل یافته و بیش از هر چیز بُعد انتقالی، علی‌الخصوص از طریق رسانه‌های اجتماعی، برجسته و پررنگ شده است (بیچرانلو، ۱۳۹۹). بنابراین باید گفت اگرچه فضای مجازی می‌تواند بستری برای ابراز همدردی‌ها و تسلیت گفتن‌ها باشد اما بستر مناسب و کافی‌ای برای صاحبان عزا به حساب نمی‌آید. به بیان دیگر آیین‌های سوگواری رسانه‌ای شده یا مجازی شده نمی‌توانند جایگزین تام و تمامی برای آیین‌های سوگواری حضوری باشند و تنها می‌توانند به‌عنوان مکملی در کنار آن نوع آیین‌های حضوری، نقش ایفا کنند.

در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد لزوم حفظ آیین‌های عزاداری حضوری ولو به‌صورت مراسمی کوچک و با مدت‌زمان کم در ایام کرونا، می‌تواند وضعیت به‌نسبت مساعدتری را برای بازماندگان متوفی فراهم کند و از بسیاری از خلأها و آسیب‌های روحی و روانی جلوگیری به عمل آورد.

نتیجه به دست آمده درست مشابه نتیجه پژوهشی است که حمید و جهانگیر (۲۰۲۰) در کشمیر انجام داده‌اند. آن‌ها نیز به این مهم دست یافتند که پس از گسترش ویروس کرونا، دفن متوفی در حالتی از انزوا و عزاداری برای او به این شکل، موجب طولانی شدن اندوه بازماندگان و آسیب‌های جدی بر سلامت روح و روان آنان می‌شود. در نهایت از آنجایی که در این پژوهش، نوع نگرش‌های دینی و مذهبی مصاحبه‌شوندگان مورد توجه واقع نشد به محققان توصیه می‌شود برای تحقیقات آتی با تفکیک این نوع نگرش‌ها، تأثیرات احتمالی‌ای که بر نتایج پژوهش باقی می‌گذارند را مورد ارزیابی قرار دهند.

کتابنامه

- باقری ده‌آبادی، علیرضا؛ فرهنگی، علی‌اکبر؛ سلطانی‌فر، محمد؛ و مظفری، افسانه (۱۳۹۵). جایگاه ارتباطات آیینی به منظور ترویج گفت‌وگو در ایران؛ مورد مطالعه چشم‌انداز بیست‌ساله و ایران ۱۴۰۴. راهبرد، ۲۵(۸۱)، ۲۷-۶۰.
- بشیر، حسن (۱۳۹۹). دین، رسانه و کرونا. تهران: مرکز راهبردی مطالعات دین و رسانه صداوسیما.
- بیچرانلو، عبدالله (۱۳۹۹). بایسته‌های مواجهه تلویزیون با آیین‌های پساکرونا. در ح. بشیر، دین، رسانه، کرونا (ص. ۱۶۳-۱۸۳)، تهران: مرکز راهبردی مطالعات دین و رسانه صداوسیما.
- تابعی، ملیحه؛ یوسفی، علی و صدیق‌اورعی، غلامرضا (۱۳۹۶). پدیدارشناسی تجربی واکنش به مرگ؛ مطالعه زنان شهر مشهد. راهبرد فرهنگ، ۱۰(۴۰)، صص. ۷۱-۹۴.
- حیدری، آرش (۱۳۹۷). مسئله مرگ در جامعه امروزی. (مسعود قاسمی، مصاحبه‌کننده) *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات؛ رسانه فرهنگ*.
- رحمانی، جبار و قربانی، هاجر (۱۳۹۶). تدفین به مثابه یک پدیده بوروکراتیک؛ آیین‌های مرگ در بهشت زهرا-تهران. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۶(۳)، صص. ۴۰۹-۴۳۰.
- رودنبولر، اریک دبلیو (۱۳۸۷). *ارتباطات آیینی: از گفتگوهای روزمره تا جشن‌های رسانه‌ای* شده. (عبدالله گیویان، مترجم) تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- سراج‌زاده، سید حسین؛ فراستخواه، مقصود و زمانی مقدم، مسعود (۱۳۹۴). نگرش لاهوتی و ناسوتی نسبت به مرگ: مطالعه مرگ‌اندیشی نمونه‌ای از دانشجویان با روش نظریه زمینه‌ای. *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۱(۴۰)، صص. ۱۵۱-۱۷۶.

- فلیک، اووه (۱۳۹۱). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. (ه. جلیلی، مترجم) تهران: نشر نی.
- گیویان، عبدالله و امین، محسن (۱۳۹۶). *محبت و هویت در آینه نمایش جهانی اربعین*. *دوفصلنامه دین و ارتباطات*، ۲۴(۲)، صص. ۱۶۷-۱۹۴.
- میرعابدینی، احمد (۱۳۸۸). *انقلاب آیینی و رسانه‌های جمعی بعد از انقلاب اسلامی*. *رسانه*، ۲۰(۱)، صص. ۲۷-۵۵.
- یعقوبی، علی، میرحجازی، سید زهرا و صوفی‌زاده، زینب (۱۳۹۸). *سنخ‌شناسی تصویر از مرگ و فرایندهای رویارویی با آن؛ مورد مطالعه: شهروندان گیلانی*. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۰(۲)، صص. ۱۰۱-۱۱۶.
- Kellehear, Allan. (2008). The Sociology of Death and Dying: An Overview. *Australian Social Work* V 37. I: 3-4.. pp. 3-9.
- Sumiala, Johanna. (2013). *Media, And Ritual; Death, Community and Everyday Life*. Routledge.
- Hamid, Wasia. Jahangir, Mohamad.Saleem . (2020). Dying, Death and Mourning amid COVID-19 Pandemic in Kashmir: A Qualitative Study. *OMEGA-Journal of Death and Dying*. 0(0). pp. 1-26.
- Hamid, Wasia. Jahangir, Mohamad.Saleem. Ahmad Khan, Tanveer. Maqbool, Tabbasum. (2020). Role of technology in restructuring the traditional practices around death and mourning in Kashmir. *Death Studies*. pp. 1-10.